

## تبیین جامعه‌شناختی پدیده قتل‌های ناموسی (به خاطر شرف) در استان خوزستان در طی سال‌های ۱۳۹۰ الی ۱۳۹۴

غلامحسین کرمی<sup>۱</sup>، دکتر امیر ملکی<sup>۲</sup> و دکتر محمدجواد زاهدی مازندرانی<sup>۳</sup>

تاریخ وصول: ۹۸/۱/۳

تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۳۱

### چکیده:

هدف از پژوهش حاضر تبیین جامعه‌شناختی پدیده قتل‌های ناموسی در استان خوزستان طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ بود. این تحقیق به روش توصیفی - پیمایشی انجام گرفت. جامعه‌ی آماری، شامل کلیه افرادی است که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به جرم قتل ناموسی یا معاونت در آن در استان خوزستان دارای پرونده‌ی کیفری بودند. بر اساس آمارهای رسمی، ۱۴۰ نفر از قاتلین و نیز ۱۴۰ نفر از شیوخ قبائل و طوائفی که قاتلین از اعضای آن طوائف بوده یا این پدیده در آنجا اتفاق افتاده است، انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری نیز استفاده از روش تمام‌شماری بود. ابزار جمع‌آوری اطلاعات شامل دو نوع پرسشنامه‌ی محقق‌ساخته بود که پرسشنامه‌ی اول جهت قاتلین و پرسشنامه‌ی دوم جهت شیوخ مورد استفاده قرار گرفت. ضریب پایایی نگرش‌سنج آنها، با استفاده از روش آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۸۱ و ۰/۸۹ به دست آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح آمار توصیفی و استنباطی صورت گرفت. یافته‌های پژوهش نشان داد که در میان قاتلین، متغیرهای وابستگی به قبیله، پایگاه اجتماعی، خرده فرهنگ خشونت، نگرش به زن و حمایت شیوخ از قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی در استان خوزستان، در سطح  $P \leq 0/05$  ارتباط دارد؛ همچنین در میان شیوخ، متغیرهای تحصیلات، پایگاه اجتماعی، نگرش به زن و حمایت از قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی در استان خوزستان، در سطح  $p \leq 0/05$  ارتباط دارد.

**مفاهیم کلیدی:** پایگاه اجتماعی، خوزستان، ساختار قدرت، قتل ناموسی، کنترل رسمی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی (مسائل اجتماعی ایران) دانشگاه پیام نور تهران مرکز، تهران، ایران  
(نویسنده‌ی مسئول) karami1391@gmail.com

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران a\_maleki@pnu.ac.ir

<sup>۳</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه پیام نور تهران، تهران، ایران m\_zahedi@pnu.ac.ir

## مقدمه و بیان مسأله

فعالیت روزمره‌ی انسان‌ها در جامعه، مبتنی بر نظم اجتماعی می‌باشد و این نظم اجتماعی از طریق افراد و گروه‌های اجتماعی اعمال شده و تحول و یا تداوم پیدا می‌کند. در حقیقت هر رفتار اجتماعی از طریق هنجارها و قوانین خاصی اداره می‌شود و در اینجا منظور از هنجارها، استانداردهای رفتاری است که از طریق افراد و گروه‌های اجتماعی از همگان انتظار می‌رود (Asadollahi & et al, 2013). اگر افراد جامعه به قوانین و مقررات و هنجارهای اجتماعی که رفتار آنها را به‌عنوان مناسب و نامناسب تعریف می‌کنند، مقید نباشند، فعالیت‌های انسان متوقف، یا دچار هرج و مرج خواهد شد.

اما در برخی از جوامع، هنجارهای غیر رسمی (عرف) علاوه بر اینکه همراه و هماهنگ با هنجارهای رسمی (قانون) نیست، بلکه بعضاً در تقابل با یکدیگر نیز عمل می‌کنند. در وقوع پدیده قتل‌های ناموسی در استان خوزستان چنین وضعیتی وجود دارد، زیرا فردی که مرتکب قتل ناموسی می‌شود، در راستای رعایت هنجار اجتماعی، قصد دارد، ضمن حفظ آبرو و شرف از دست رفته‌ی خود و خانواده‌اش، در مقام محاکمه و مجازات هم برآمده و فردی که آبروی خانوادگی وی را خدشه‌دار نموده و به‌عبارتی هنجارشکنی نموده، مجازات نماید. به تعبیری دیگر، مردی که یک زن را به خاطر شرف می‌کشد، قصد دارد که به اصطلاح از جامعه، در مقابل عمل غیر اخلاقی او حمایت کند و به همین دلیل گروه‌های اجتماعی نیز از این فعل او حمایت به عمل می‌آورد، در نتیجه، این احتمال وجود دارد که حتی این وقایع گزارش نشده و در عین حال به فراوانی آنها افزوده شود و این مسئله می‌تواند موجبات گسترش خرده فرهنگ خشونت در جامعه را فراهم آورده و نظم اجتماعی را بر هم بزند.

از نظر جامعه‌شناسی انحرافات؛ قتل یک مسئله‌ی اجتماعی تلقی می‌شود زیرا بر اساس ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر جامعه به‌عنوان وضعیتی نامطلوب و مضر شناخته می‌شود که جان و امنیت افراد جامعه را به خطر می‌اندازد. در بین همه‌ی انواع خشونت، قتل نفس (آدم‌کشی) یعنی جان کسی را به‌طور عمد و غیر قانونی گرفتن، خطرناک‌ترین و خوفناک‌ترین و در عین حال کمیاب‌ترین نوع خشونت در جوامع است (Navah & et al, 2013).

در دهه‌ی ۷۰ میزان قتل‌های خانوادگی، در اندازه‌ای نبود که به مرز مسأله رسیده باشد، اما در دهه‌ی ۸۰ و به‌ویژه پس از سال ۸۵ به بعد به علت کاهش آستانه‌ی تحمل و مشکلات خانوادگی وقوع این گونه قتل‌ها افزایش چشمگیری یافته است. نرخ واقعی قتل

در کشور ۷/۲ در یک هزار نفر است. بررسی قتل‌های سال ۹۰ نشان می‌دهد ۲۲ درصد قتل‌ها با انگیزه‌ی اختلافات خانوادگی رخ داده است و قاتل و مقتول با هم نسبت فامیلی دارند.

در بین همه‌ی قتل‌ها، پدیده‌ی قتل‌های ناموسی دارای اهمیت ویژه‌ای است، زیرا از یک‌طرف ریشه در تاریخ و فرهنگ بشریت داشته و از طرف دیگر قاتل رابطه‌ی بسیار نزدیکی با مقتول دارد که ممکن است گاهی اوقات بدون یک دلیل منطقی و یک مدرک مستند و حتی یک شایعه‌ی بی‌اساس و یک حدس و گمان بی‌پایه یکی از افراد مؤنث خانواده توسط نزدیکانش (پدر، برادر، شوهر و سایر نزدیکان) به قتل برسد.

در تحقیق حاضر با استناد به آمارهای رسمی قتل‌های ناموسی ثبت شده در پلیس آگاهی، پزشکی قانونی و دادگستری استان خوزستان و اینکه این پدیده در استان در مقایسه با سایر قتل‌ها و در مقایسه با سایر استان‌ها از فراوانی بیشتری برخوردار است با استفاده از روش‌های اسنادی و میدانی از جهات مختلف مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

آنچه در جامعه‌ی آماری پژوهش در ارتباط با این پدیده مهم است، غیرت و شرف اجتماعی است و آن را مقدس‌ترین دارایی مرد و مظهر این شرف را ناموس یعنی زنان و دختران می‌دانند و با توجه به اینکه وظیفه‌ی دفاع از آن به عهده‌ی مردان می‌باشد، هر گونه تخطی از آن یا تجاوز به شرف و ناموس نیز اشد مجازات را بدنبال خواهد داشت. در خشونت ناشی از تجاوز به ناموس و مجازات آن عمدتاً با زنان و دختران برخورد می‌شود. حتی اگر این تجاوز به عنف صورت گرفته باشد و زن و دختر فقط قربانی باشند باز هم آنان مجازات می‌شوند، زیرا فرهنگ مردسالاری آمیخته با رسم و رسوم و رفتار نابهنجار، همیشه مسئولیت اصلی تجاوز و از بین رفتن ناموس را بر عهده‌ی زنان و دختران می‌گذارد.

در بین همه‌ی جرم‌ها و انواع خشونت، قتل نفس یا آدم‌کشی (جان کسی را عمداً و به‌طور غیر قانونی گرفتن) خطرناک‌ترین و خوفناک‌ترین و نادرترین نوع خشونت در جوامع است (Sedigh Sarvestani, 2008). در این بین، قتل‌های ناموسی نیز پدیده‌ای است که ریشه در تاریخ و فرهنگ بشریت دارد و حتی می‌توان این نوع قتل را بازمانده از دوران اعمال مجازات به صورت شخصی در میان قدیمی‌ترین تمدن‌های بشری مانند کلدانی‌ها و آشوری‌ها دانست که در این دوران قتل زن، دختر یا خواهر به خاطر حفظ ناموس رواج داشته است (Najafi Abrandabadi, 2015).

این نوع قتل، که به قتل به خاطر شرف نیز معروف است، در مواردی نظیر؛ برقراری روابط عاشقانه‌ی غیر متعارف، خیانت به همسر، زنا، فرار از خانه و ... که رفتارهای ضد ناموسی، بی‌عفتی، بدنامی و فضاحت تلقی می‌شوند رخ می‌دهند. گاهی اوقات، انتشار یک شایعه‌ی بی‌اساس، در سطح عموم که باعث بدنامی خانواده می‌شود، نیز باعث بروز قتل ناموسی می‌گردد. قتل ناموسی، نتیجه‌ی یک رفتار خشونت‌آمیزی است که طی آن، مردان یک خانواده، یکی از افراد مؤنث خانواده (اعم از خواهر، دختر، مادر و همسر و دختر عمو) را به دلایل داشتن روابط نامشروع، به قتل می‌رسانند تا به زعم خود لکه‌ی ننگ و رسوایی، از دامان خانواده و فامیل، پاک شود. قربانی اصلی این قتل‌ها، زنان و دختران هستند (Zare and Ghanemi, 2006). بنابراین از شایع‌ترین این نوع قتل‌ها کشته شدن دختر و خواهر و زن به دست پدر یا برادران و شوهر است. هنگامی که دختران رابطه‌ی نامشروع برقرار می‌کنند، وقتی این رابطه علنی می‌گردد یک نوع سرشکستگی برای اعضای خانواده ایجاد می‌کند، لذا پدر یا برادر دختر و شوهر زن اقدام به قتل او می‌کنند و چون می‌دانند که شاکی هم وجود ندارد و به سهولت رضایت کسب می‌شود، بنابراین مشکلی از جهت مجازات وجود نخواهد داشت.

در مورد گستردگی این پدیده، نه تنها از طرف فعالان حقوق زنان و حقوق بشر، بلکه از طرف مسئولان قضایی و انتظامی کشور، اتفاق نظر وجود دارد؛ و همچنین آسیب بودن آن نیز در مجامع و همایش‌های علمی به اثبات رسیده است.

شایع‌ترین قتل‌ها در ایران به مسأله‌ی جنسی و ناموسی مربوط می‌شود که ۲۰ درصد کل قتل‌ها و ۵۰ درصد قتل‌های خانوادگی را شامل می‌شود. در ایران، قتل‌های ناموسی بیشترین نسبت قتل را در زنان به خود اختصاص داده است (Hosaeini, 2006). اگر چه در کل کشور، آمار دقیقی از میزان وقوع آن در دست نیست، چرا که بسیاری از این قتل‌ها، گزارش نمی‌شوند یا به‌عنوان مفقودی، خودکشی و فوت‌های مشکوک اعلام می‌شوند؛ اما بر اساس گزارش‌های منتشر شده طی سال‌های ۸۹ تا ۹۳ بیش از ۸۰۰۰ مورد قتل در ایران به وقوع پیوسته که تعداد زیادی از آن مربوط به قتل‌های ناموسی می‌شود. البته این قبیل قتل‌ها در برخی استان‌ها و مناطق کشورمان نظیر استان‌های سیستان و بلوچستان، خوزستان، کردستان، کرمانشاه، ایلام، لرستان، آذربایجان غربی، هرمزگان که فرهنگ عشیره‌ای و سنت‌های خاص قومی و قبیله‌ای دارند، بیشتر از سایر مناطق کشور به چشم می‌خورد.

در استان خوزستان به دلیل حاکم بودن دیدگاه‌های سنتی در خصوص زنان، در موارد ارتباط با جنس مخالف، فساد اخلاقی یا هرگونه تخلفی که صورت می‌پذیرد همیشه به زن به‌عنوان مجرم اصلی موضوع نگریسته می‌شود، و این مسأله سبب می‌شود در مواردی که زن یا دختری متهم به ارتباط با جنس مخالف می‌شود، فشارها و طعنه‌های افراد قبیله و دیگران عرصه را بر مردان خانواده و نزدیکان زنان و دختران مورد اتهام قرار گرفته تنگ نموده و در این هنگام است که تحت این فشارها حتی در برخی از موارد بر خلاف میل باطنی، اعضای خانواده صرفاً برای خلاصی یافتن از گوشه کنایه‌ها و انگشت‌نما شدن و تمسخر دیگران، خواه به یقین رسیده باشند و خواه براساس شک و شبهه و شایعه، تصمیم می‌گیرند که زن توسط یکی از اعضای خانواده‌ی خود (پدر، برادر، شوهر و حتی اگر پسر عمو داشته باشد، پسر عموها و ...) به مجازات عمل خود برسد تا به ظن خودشان لکه‌ی ننگ را پاک کنند و متأسفانه تنها راه پاک کردن این لکه‌ی ننگ، اعمال اشد مجازات یعنی ریختن خون اوست. این در حالی است که اگر پدر قاتل باشد، هرگز اعدام نخواهد شد و تنها به مجازات حبس محکوم می‌شود و اگر قاتل از بستگان مقتوله باشد از آنجایی که اکثراً ولی دم رضایت خود را اعلام می‌دارد، قاتل اعدام نشده و دیه هم بخشیده می‌شود. در موارد معدودی هم که قاتل بدون کسب رضایت قبلی اولیاء دم مرتکب قتل شده باشد، با وساطت بزرگان و شیوخ طایفه و عشیره و با پافشاری آن‌ها خانواده مجبور می‌شود در قبال دریافت فصل، از حق قصاص خود گذشت نماید و در این مواقع نیز تمامی اعضای عشیره، جمع شده تا با پرداخت سهم خود مبلغ فصل را تأمین نمایند. به این ترتیب در هر صورت قاتل در کمال آسودگی، آزاد شده در حالی که از عمل ناهنجار خود، هیچ تنبیه سختی را متوجه نشده و از طرفی چون عملی که انجام داده است جهت حفاظت و اعاده‌ی حیثیت و اعتبار قبیله و عشیره بوده به‌عنوان فردی غیور و غیرتمند شناخته شده و جایگاه و منزلت اجتماعی بالاتری نزد اعضاء قبیله نیز کسب می‌نماید.

در بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق آمارهای ارائه شده از وقوع قتل‌های استان خوزستان توسط نیروی انتظامی استان، مشخص شد که در طول سال‌های ۱۳۹۱ لغایت ۱۳۹۳، حدود ۲۵ درصد از قتل‌ها در استان خوزستان با انگیزه‌ی ناموسی رخ داده است (NAJA (Iran Police Force) Report, 2015). لازم به ذکر است که آمار ارائه شده نمی‌تواند آمار واقعی قتل‌های ناموسی در استان خوزستان باشد؛ زیرا در هر صورت مقایسه‌ی قتل‌های ناموسی با سایر قتل‌های عمد صحیح نمی‌باشد، چون آمار سایر قتل‌های عمد می‌تواند به آمار واقعی بسیار نزدیک باشد ولی آمار قتل‌های ناموسی با آن چه که

واقعیت دارد مطابقت ندارد، زیرا کم نیستند زنان و دخترانی که بدست اعضاء خانواده و مردان عشیره‌ی خود به قتل می‌رسند و به صورت مخفیانه اجساد آنان سوزانده شده یا بدون تشریفات مذهبی در بیابانی چال می‌شوند یا جسد را پس از قتل در محلی رها کرده و سپس به صورت مجهول‌الهویه کشف می‌شود و یا قتل را به صورت خودکشی جلوه می‌دهند. در تمامی این قتل‌ها نیز قاتلین از حمایت سایر اعضاء خانواده و عشیره برخوردار بوده و چه بسا برای همیشه موضوع به‌عنوان یک راز و سر باقی بماند. آمار جدول ۱ نشان‌دهنده‌ی درصد بالای قتل‌های ناموسی در استان خوزستان می‌باشد.

جدول ۱: آمار قتل (دیگرکشی) در استان خوزستان

**Table 1: The Statistics of Murder in Khuzestan Province**

تعداد قتل‌های ناموسی	رتبه‌ی کشوری (از نظر تعداد قتل)	تعداد	سال
<i>Number of Honor Killings</i>	<i>Country Rank</i>	<i>Number</i>	<i>Year</i>
38	8	162	2012
45	8	180	2013
36	8	207	2014

(NAJA (Iran Police Force) Report, 2015)

با توجه به مطالب فوق‌الذکر در این تحقیق سعی می‌شود تا از دیدگاهی جامعه‌شناختی به تبیین پدیده‌ی قتل‌های ناموسی در استان خوزستان پردازیم و با توجه به اینکه بطور عمده این پدیده در بین قبایل و طوایف اتفاق می‌افتد. این پژوهش به دنبال پی بردن به این موضوع می‌باشد که اعضاء جامعه‌ی آماری اعم از قاتلین و کسانی که مرتکب قتل‌های ناموسی می‌شوند تا بزرگان طوایف و قبایل، که در تصمیمات طایفه و قوم خود بسیار تعیین‌کننده هستند، در مورد این پدیده و همین‌طور نفس عمل (رابطه‌ی یک زن با مرد نامحرم به هر شکل ممکن) چه نگرشی دارند؟ لذا متغیر وابسته در این تحقیق، نگرش افراد نسبت به قتل‌های ناموسی و جرائم ناموسی می‌باشد.

### اهمیت و ضرورت پژوهش

بطور کلی انجام این پژوهش از جهات مختلف دارای اهمیت بوده و نتایج حاصله، کاربرد دارد از جمله:

۱- علیرغم مسئله بودن این پدیده، خاصه در خوزستان، تحقیقات کافی در این زمینه وجود ندارد. لذا انجام این پژوهش می‌تواند گامی جهت بررسی دقیق این مسئله باشد.

- ۲- نتیجه‌ی این پژوهش ضمن آنکه بر آگاهی مردم می‌افزاید، می‌تواند سبب اعتلای فکری مناطق مزبور گردیده و به تغییر این رفتار نامطلوب بیانجامد.
- ۳- افزایش امنیت اجتماعی خصوصاً برای زنان و همچنین ارتقاء منزلت آنان در بین عشایر بویژه عشایر عرب استان خوزستان.
- ۴- ارائه‌ی پیشنهادهای راهکارهای علمی و کاربردی به منظور کنترل و کاهش میزان قتل در استان خوزستان از طریق طرح در شوراهای تأمین و قضایی استان.
- ۵- ارائه‌ی پیشنهاد به مراجع قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری از جمله نمایندگان مجلس شورای اسلامی به منظور پیگیری جهت تجدید نظر در قوانین حقوقی و کیفری مربوطه.
- ۶- ارائه‌ی هشدارها و تذکرات مربوطه به بزرگان و رؤسای قبائل جهت حمایت منطقی از اعضای قبیله‌ی خود و پرهیز از حمایت احساسی در مورد این‌گونه قتل‌ها.

### اهداف پژوهش

#### هدف کلی

تبیین جامعه‌شناختی پدیده‌ی قتل‌های ناموسی در استان خوزستان می‌باشد.

#### اهداف جزئی

- ۱- تعیین رابطه‌ی بین میزان وابستگی به فامیل در قاتلین و شیوخ با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی.
- ۲- تعیین رابطه‌ی بین پایگاه اجتماعی قاتلین و شیوخ با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی.
- ۳- تعیین رابطه‌ی بین میزان حمایت فامیل از اقدامات قاتلین با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی.
- ۴- تعیین رابطه‌ی بین ساختار قدرت در طایفه‌ی قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی.
- ۵- تعیین رابطه‌ی بین میزان خرده فرهنگ خشونت در بین قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی.
- ۶- تعیین رابطه‌ی بین نگرش قاتلین و شیوخ نسبت به زن با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی.

- ۷- تعیین رابطه‌ی بین میزان پایبندی قاتلین به هنجارهای دینی با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی.
- ۸- تعیین رابطه‌ی بین میزان تحصیلات قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی.
- ۹- ارائه‌ی پیشنهادهای و راهکارهای علمی و کاربردی به منظور کنترل و کاهش میزان قتل در استان خوزستان.

### فرضیه‌های پژوهش

- ۱- به نظر می‌رسد بین میزان وابستگی به فامیل در قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان حمایت فامیل از اقدامات قاتلین با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین ساختار قدرت در طایفه‌ی قاتلین با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین میزان خرده فرهنگ خشونت در بین قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین نگرش قاتلین نسبت به زن با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد بین میزان پایبندی قاتلین به هنجارهای دینی با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۸- به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.

### تعاریف و مفاهیم قتل ناموسی

ناموس به لحاظ معنا در فرهنگ معین به معنای:

- ۱- منسوب به ناموس، حیثیتی، شرفی.



۲- پردگی، مستوره همچین در ردیف شانزدهم معانی در فرهنگ معین نیز آمده است «ناموس» به‌عنوان زنان یک خانواده وابسته به یک مرد معنی می‌گردد. ناموس در لغت به معنای شریعت، قانون، قاعده و اصل است. این واژه در ادبیات سده‌ی اخیر در کشورمان از این معنای عام خود دور شده و در معنای خاص حیثیت جنسی اعضای مؤنث خانواده شخص به کار می‌رود. گاهی نیز در معنای انحصاری، ناظر بر زن شخص به کار می‌رود. قانون مجازات عمومی ۱۳۰۴، به تبع قوانین فرانسه چنین مقصودی را از واژه‌ی ناموس به قلمرو قوانین کیفری وارد کرد و اکنون در قانون مجازات اسلامی نیز به همین معنا به کار رفته است ( *Articles 62 and 627 of the Islamic Penal Code* ).

ارائه‌ی یک تعریف جامع، مانع و علمی از این واژه امری دشوار بوده و خالی از اشکال نیست. اما با توجه به هم‌خانوادگی حوادث مشابهی که در سراسر کشور اتفاق افتاده است، می‌توان قتل ناموسی را به این صورت تعریف نمود: قتل ناموسی قتلی است که قربانی آن با انگیزه‌ی حفظ ناموس توسط مردان خویشاوند خود، به دلیل برقراری رابطه با یک مرد، مبادرت به عمل زنا، مورد تجاوز قرار گرفتن، فرار از منزل و یا حتی خودداری از ازدواج اجباری، به قتل می‌رسد. قربانیان این‌گونه قتل‌ها، اغلب زنان و دختران هستند. برای اینکه فردی قربانی قتل ناموسی شود، فقط این گمان برده شود که او آبروی خانواده و یا قبیله را بر باد داده است، کافیت (Saramad & et al, 2013).

دکتر شیرین نوروزی جامعه‌شناس و محقق مسایل زنان، قتل‌های ناموسی را این‌گونه تعریف می‌کند: «کشته شدن دختران و زنان به دست همسران، پدران، برادران و یا دیگر افراد ذکور فامیل به بهانه‌ی حفظ آبرو، ناموس‌پرستی و حیثیت». بنابراین منظور از قتل‌های ناموسی عبارتست از اینکه خویشاوندان زنی که به زنا یا رابطه‌ی نامشروع یا پنهانی با مردی متهم شده است، مانند پدر، برادر، شوهر و یا پسر عمو به قتل آن زن اقدام و آن را تنها راه زدودن ننگ از خانواده‌هایشان می‌دانند و به آن عمل افتخار می‌کنند، اگر چه این اتهام صرفاً ناشی از سوء ظن و تخیل، یا تهمت‌های ناروا و بی‌پایه و اساس همسایگان، اهالی محل یا افراد قبیله و عشیره باشد و یا عمل قبیح نامشروع کمتر از زنا بوده است.

قتل ناموسی، مصداقی از قتل عمد است. قتل عمد، قتل از روی قصد و اراده را گویند، قتلی که ناشی از عدم مهارت، بی احتیاطی، عدم دقت، غفلت و عدم رعایت مقررات، نباشد، بلکه با اراده و قصد فاعل ارتکاب یابد (Mirmaghizadeh & et al, 2018).

از آنجا که قوانین کنونی عمیقاً معتقد به حفظ خانواده به هر قیمت هستند، حتی اگر این خانواده سالم نباشد و حتی در آن مهر و عشقی وجود نداشته باشد، امکان بروز خشونت در آن زیاد می شود. از سوی دیگر اغلب به زنان توصیه می شود که سازش کنند و از شکایت خود بگذرند و این گونه خشونت در محیط خانواده دایمی می شود (Karami, 1996).

قتل ناموسی به گونه های مختلف و با دلایل متعدد ارتکاب می یابد؛ قتل به دلیل برقراری ارتباط با جنس مخالف، حتی اگر این ارتباط به صورت خیلی ابتدایی بوده و یا حتی شک دال بر برقراری ارتباط نزد مرد خانواده به وجود آمده باشد، نوع دیگر از این گونه قتل هاست. قتل به دلیل خودداری از ازدواج اجباری و تقاضای ازدواج با فردی که مورد پذیرش خانواده نیست، چهره ی دیگر از قتل های ناموسی است. بارها اتفاق افتاده که دختری یا زنی مورد تجاوز جنسی قرار گرفته، اما زعمای قبیله یا مردان خانواده برای زدودن ننگی که دامن گیر خانواده و قبیله شده است، قربانی را به قتل رسانده اند. فرار از منزل، هر چند به قصد ازدواج، منجر به قتل های ناموسی می شود (Saramad & et al, 2013).

رایج ترین نوع قتل ناموسی، بنا بر زمینه ها و عوامل پیشینی آن، قتلی است که به خاطر ارتباط جنسی خارج از عقد ازدواج صورت می گیرد. قتل ناموسی نیز چون توسط وابستگان نزدیک و اعضای خانواده ی قربانی صورت می گیرد، حساسیت ها در مقابل آن بسیار شدید است و تلاش می شود که در درون روابط خانوادگی به فراموشی سپرده شده و از نشر و پخش اطلاعات در مورد آن پرهیز شود. قتل ناموسی به دلیل ارتباطش با مسایل جنسی و رابطه ی خارج از ازدواج، بیشتر از هر کس حساسیت های شوهر قربانی و خانواده ی وی را بر می انگیزد. رابطه ی نابرابر و تملک جویانه ای که شوهر نسبت به زن خود دارد، و موقعیت فرودست زنان در خانواده شوهر، نیز زنان را در مقابل شوهر و خانواده ی او آسیب پذیر می سازد. به همین خاطر، معمولاً قربانی قضایای قتل ناموسی زنانی هستند که ازدواج کرده اند و در بسیاری موارد نیز عامل قتل شوهر یا وابستگان او می باشد. قتل های

ناموسی در مورد دخترانی که ازدواج نکرده‌اند، معمولاً توسط خانواده‌ی پدری او صورت می‌گیرد (Karimi & et al, 2012).

### قتل ناموسی در استان خوزستان

در همین راستا، در استان خوزستان، واژه‌ی «قتل ناموسی» یا «نپوه کردن»، اصطلاح رایجی در میان قبایل بویژه قبایل عرب این استان مطرح می‌باشد و همان‌طور که از خود واژه استنباط می‌گردد، مراد، کشتن دختران یا زنانی است که متهم به داشتن رابطه‌ی نامشروع با مردان نامحرم هستند. اما آنچه مهم و در بسیاری از امور سازنده و مؤثر می‌باشد آن است که بنیاد و اساس عشیره «همگامی»، «همکاری» و «تعاون» است. این «همیاری» که در اصطلاح محلی «عونه» نامیده می‌شود، تمام امور زندگی عشایری از ساختن خانه، کشت زمین زراعی، برداشت و جمع‌آوری محصول و برگزاری مراسم گوناگون، نگهداری از دام‌ها، بردن نی از «هور» و حمل آن به وسیله‌ی بلم و انتقال به محل ساخت خانه و تمیز کردن نی از برگ و خاشاک و بافتن حصیر و تهیه‌ی ستون‌های قوسی گرفته تا دفاع از منافع طایفه و قبیله در مواقع تهاجم دیگران و همچنین وقوع نزاع‌های دسته‌جمعی و نهایتاً وقوع قتل توسط یک فرد و همچنین قتل ناموسی «نپوه کردن» به چشم می‌خورد و کمتر دیده شده که یکی از اعراب به صورت فردی تصمیم‌گیری نماید. این پدیده در روستاهای جنوب خراسان نیز مشاهده می‌شود و به «یاوری» معروف است.

بروز و وقوع این بزه را می‌توان با دو عنصر مهم همسو دانست: اول مظان اتهام و انگ اخلاقی مقتول با پیوند بیشتر نسبی با قتل و دوم آستانه‌ی تحریک‌پذیری اقرباء و نزدیکان که خود متأثر از هنجارها و ارزش‌های فرهنگی اجتماعی و بستر جامعه‌شناسی فرد قاتل است (Najafi Abrandabadi and Badamchi, 2015).

بسیاری از قتل‌های ناموسی که در خوزستان اتفاق می‌افتد به دلیل سوء ظن است و این در حالی است که در شرع اسلام سوء ظن حرام است.

برخی دیگر از قتل‌های ناموسی که در استان خوزستان اتفاق می‌افتد به دلیل فرهنگ‌های نادرستی مانند لزوم ازدواج دختر عمو با پسر عمو است که برخی مواقع اگر غیر از این اتفاق بیافتد منجر به قتل می‌شود.

در قتل‌های ناموسی از مسأله‌ی غیرت استفاده‌ی ابزاری می‌شود و به صورت خودسرانه انجام می‌شود و بلافاصله نیز خانواده‌ی مقتول رضایت می‌دهند.

### قتل‌های ناموسی از منظر نظریه‌های علمی

از لحاظ تاریخی اولین تبیین‌هایی که از زمینه‌ی رفتارهای انحرافی انجام شده است متعلق به رویکرد زیست‌شناختی می‌باشد. صاحب‌نظران این دیدگاه با توجه به علائم ظاهری افراد، ویژگی‌های ژنتیکی و ویژگی‌های شخصیتی معتقدند که می‌توان به بررسی علل و عوامل مؤثر بر انحرافات اجتماعی دست یافت. پیش‌فرض اساسی این است که یک پدیده‌ی زیستی مانند یک غده‌ی مغزی یا بعضی از انواع عدم تعادل مواد شیمیایی در بدن می‌توانند مستقیماً به رفتار انحرافی منتهی شوند (Ahmadi, 2008).

در مسأله‌بندی موضوع حاضر نیز باید در نظر داشت که جامعه‌شناسی انحرافات دامنه‌ی وسیعی دارد و هر رفتاری که قوانین گروه اجتماعی را نقض کند به‌عنوان رفتار انحرافی تلقی می‌شود. انحراف هر شکلی از رفتار است که با ضمانت‌های اجرایی برخورد کند که دامنه‌ی آن از انتقاد ملایم تا جریمه‌ی نقدی را در بر می‌گیرد. در نقطه نظر جاناتان ترنر کجروی رفتاری است که از هنجارهای پذیرفته شده تخلف می‌کند (Termer, 2013). با توجه به این تعریف انگیزه‌ی قتل نیز در قلمرو رفتارهای کجروانه جای می‌گیرد. قاتل نیز هنجارهای پذیرفته شده‌ی جامعه را نقض کرده است و هنجارهای قانونی را زیر پا می‌گذارد. با توجه به اینکه قتل نیز نوعی کجروی محسوب می‌شود برای تبیین آن نیازمند نظریه‌هایی است که به موضوع انحراف و کجروی پرداخته‌اند. این نظریات در یک تقسیم‌بندی کلی به سه دسته نظریه‌های زیست‌شناختی، نظریه‌های روانشناختی و جامعه‌شناختی تقسیم‌بندی می‌شوند که توجه به سطح جامعه‌شناختی آن مد نظر می‌باشد.

به‌طور کلی می‌توان گفت عمده نظریات جامعه‌شناسانه‌ای که به انحرافات رفتاری به صورت عام و یا به قتل به‌طور خاص پرداخته‌اند در قالب چند رهیافت مهم از جمله نظریه‌های کجرفتاری (نظریه‌ی بی‌هنجاری، نظریه‌ی پیوند افتراقی، معاشرت‌های ترجیحی، نظریه‌های انتقال فرهنگی و کژ رفتاری، تئوری یادگیری اجتماعی، نظریه‌ی فضای عاطفی خانواده، نظریه‌ی خنثی‌سازی، تئوری کنترل اجتماعی، دکترین بازدارندگی، تئوری برجسب زدن و نظریه‌ی انحراف اشباعی) و نظریه‌های بی‌سازمانی اجتماعی (نظریه‌ی انحراف فرهنگی، الگوی خود آیین‌سان کولی، رویکرد کنش متقابل، نظریه‌ی فشار اجتماعی، الگوهای حمایت گروهی و کژرفتاری) و تئوری‌های انتقادی (نظریه‌ی فرهنگ فقر و

نظریه‌ی خرده فرهنگ خشونت) و نظریه‌ی تضاد و نظریه‌ی انتخاب عقلانی (گیدنز، کلارک، مایه‌یو و ...) و نظریه‌ی مبادله‌ی اجتماعی (هومنز، سیسمون و ...) و نظریه‌ی نیازهای بنیادین و همچنین عقاید و نظریات مکتب اسلام و قوانین جاری ایران و سایر کشورها جای دارند.

بر اساس مدل آسیب‌شناسی اجتماعی، مسائل اجتماعی نتیجه‌ی نوعی بیماری در جامعه است. اگر بخش‌هایی از جامعه‌ای از جمله عناصر ساختاری و فرهنگی درست عمل نکنند بیماری حاصل خواهد شد. به‌عنوان مثال جرم، خشونت، فقر نابرابری از فروپاشی نهاد خانواده و بی‌کفایتی در نهادهای اقتصادی، آموزشی و سیاسی حاصل می‌شود. این نظریه بیان می‌دارد بیماری اجتماعی زمانی به وجود می‌آید که افراد آن‌قدر جامعه‌پذیر نشده‌اند که هنجارها و ارزش‌های جامعه را بپذیرند. لذا برای پیشگیری از مسائل اجتماعی و حل آنها افراد باید به درستی جامعه‌پذیر شوند و آموزش‌های اخلاقی و فرهنگی مناسبی را دریافت کنند. تغییرات سریع اجتماعی هنجارهای جامعه را دچار اختلال می‌کنند.

مهم‌ترین نظریه‌پرداز بی‌هنجاری اجتماعی، دورکیم می‌باشد که طبق نظر وی اگر در جامعه‌ای معیارها و هنجارهای سنتی تضعیف شود و یا اینکه در اثر تحولات شتاب‌زده اقتصادی، مقررات و هنجارهای اجتماعی رعایت نگردد جامعه به وضعیت آنومیک دچار شده که در نتیجه آن انحرافات اجتماعی نیز گسترش می‌یابد.

نظریه‌ی دیگر یادگیری اجتماعی است، که طبق این نظریه، کثرتاری یادگرفتنی است و بیشتر از طریق گروه‌های اولیه شکل می‌گیرد (Rubington and Weinberg, 2018).

ساترلند با مفهوم پیوند افتراقی و ولفگانگ و فراکوتی با مفهوم خرده فرهنگ خشونت که نشان از تأثیر نظام ارزشی خرده فرهنگ‌ها بر جامعه‌پذیری افراد داخل آن خرده فرهنگ دارد از این نظریه حمایت می‌کنند (Agnew, 1998). ساترلند بزهکاری را ناشی از خطای خانواده‌ها دانسته است که قادر به یاد دادن ارزش‌ها و هنجارها نبوده‌اند. به نظر وی نگرانی‌ها و نیازهای ارضاء نشده در افراد عادی و بزهکار شبیه به هم است و تنها روش‌های یاد گرفته شده و واکنش به این نگرانی‌ها و محرک‌ها در آنان متفاوت است و خانواده به‌عنوان محیط یادگیری اولیه‌ی نوجوانان بر بزهکاری آنان مؤثر است. مردم به نسبت همنشینی و ارتباطی که با قانون‌شکنان دارند، کجرو می‌شوند و عوامل چندی این تأثیرپذیری را تعیین می‌نمایند.

- ۱- اولین عامل، تماس‌های زیادی است که با دیگران برقرار می‌شود. شخص کجرو بیشتر تحت تأثیر دوستان منحرف و اعضای خانواده‌ی خود می‌باشد.
- ۲- دومین عامل سن شخص به هنگام برقراری تماس با دیگران است. تأثیرپذیری در ایام کودکی و نوجوانی نسبت به زمان‌های دیگر بیشتر است.
- ۳- سومین عامل نسبت تماس با کجروان جامعه در مقایسه نسبت تماس با هم‌نویان است.

افراد الگوهای رفتار انحرافی را به همان شیوه الگوهای رفتار غیرانحرافی یاد می‌گیرند. این جریان از طریق کنش متقابل با سایر افراد درونی می‌گردد. محورهای عمده‌ی تحلیل ساترلند بر مبنای تکنیک‌های ارتکاب جرم، انگیزه‌ها، نگرش‌ها و توجیهات است. همچنین تقدم یادگیری انگیزه‌ها را نسبت به ارتکاب اولین جرم بدیهی می‌شمارد (Sedigh Sarvestani, 2008).

تئوری کنترل اجتماعی معتقد است که هر فردی پتانسیلی برای مجرم شدن دارد اما بیشتر مردم به وسیله‌ی پیوندشان با جامعه کنترل می‌شوند. جرم هنگامی رخ می‌دهد که نیروهای پیوند دهنده‌ی مردم با جامعه ضعیف شده یا از بین رفته باشند که باعث سست شدن پیوند افراد با جامعه می‌شود و انجام بسیاری از قتل‌ها به سهولت و راحتی انجام می‌گیرد. نظریه‌های رهیافت کنترل اساساً در امتداد دیدگاه دورکیم معتقد است وقتی بر افراد کنترل نیست بیشتر احتمال انحراف وجود دارد. تز اصلی این رهیافت این است که انحراف نتیجه کنترل‌های غیر مؤثر است (Nabavi, 1994). این نظریه‌پردازان بیشتر به فضای کنترل غیر رسمی توجه دارند. از این منظر کنترل اجتماعی ساز و کارهایی است که جامعه به وسیله‌ی آن‌ها تسلط خود را بر افراد اعمال می‌کنند و آن‌ها را وا می‌دارد که با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه هم‌نوا شوند.

Hirschi Travis هم‌سو با نظریه‌پردازان کنترل بر پیوندها و گره‌های "افراد با جامعه" تأکید دارد. هیرشی فرض می‌کند که "همه‌ی افراد خاطی‌های بالقوه هستند اما آنها تحت کنترل می‌باشند به همین دلیل آنها ترسی دارند که رفتار غیر قانونی به روابط شان با دوستان، والدین، همسایگان، معلمان، کارفرماها زیان وارد کند. بدون چنین گره‌ها و پیوندهای اجتماعی و عدم حضور حساسیت و توجه به دیگران، فرد برای ارتکاب اعمال مجرمانه آزاد است (Savari, 2017).

دکترین بازدارندگی بر کنترل اجتماعی رسمی تأکید دارد که به وسیله‌ی قضاوت و سایر عوامل اجرای قانون اعمال می‌شود. این تئوری مکمل تئوری قبلی است و می‌توان گفت از عواملی که می‌تواند در کنترل قتل‌های ناموسی تأثیرگذار باشد، کنترل رسمی و دولتی است. فرض این نظریه این است که هر چه شدت، قطعیت و سرعت اعمال مجازات بیشتر باشد، قدرت بازدارندگی آن نیز بیشتر خواهد بود (Thio & et al, 2010).

نظریه‌ی انحراف فرهنگی تلفیقی از نظریه‌ی بی‌سازمانی اجتماعی و نظریه‌ی فشار است؛ این نظریه مبتنی به این فرض می‌باشد که نظام ارزشی یا خرده‌فرهنگ مسلط به گروه به گونه‌ای است که برخی از انحرافات (مانند قتل‌های ناموسی)، را توجیه کرده یا مشوق آنهاست و همچنین به نقل از سیگل (۱۹۹۷)، اعضای یک خرده فرهنگ، از قواعد فرهنگ گروه خود تبعیت می‌کنند، زیرا با آن تماس مستقیم و نزدیک دارند (Siegel, 1997). با توجه به این دیدگاه، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که قتل‌های ناموسی در جامعه‌ی مورد مطالعه، توسط نظام ارزشی مسلط بر آن مورد تشویق قرار می‌گیرد. بنابراین از متغیرهای تأثیرگذار بر آن، تشویق بزرگان قبایل، ارزش‌های دینی و اجتماعی حاکم به آن و حمایت‌هایی است که توسط سایر اعضای گروه از قاتلین صورت می‌گیرد.

Charles Horton Cooley، جامعه‌شناس آمریکایی نظریه‌ای ارائه کرده است که به «خود آینه‌سان» معروف شده است، منظور از آینه که فرد خود را در آن می‌بیند، جامعه است که می‌توانیم در آن واکنش‌های دیگران را در برابر اعمال و رفتاری که انجام می‌دهیم ملاحظه کنیم. هر فرد بر اساس برداشتی که از قضاوت دیگران در مورد عملکردش دارد، رفتار خود را تنظیم می‌کند و جامعه همانند آینه‌ای عمل می‌کند که می‌توان در آن، واکنش‌های دیگران را در برابر اعمال و رفتاری که انجام می‌دهد ملاحظه کرده و بر اساس آن، رفتار و اعمال خود را ادامه داده یا متوقف نماید (Kozler, 2011). بر اساس این دیدگاه افرادی که مرتکب قتل‌های ناموسی می‌شوند، با توجه به برداشتی که از قضاوت‌ها و حمایت‌های سایر اعضای جامعه بخصوص بزرگان خانواده و قبیله دارند، دست به این کار می‌زنند.

نظریه‌ی فشار، عامل انحرافات اجتماعی را فشارهای اجتماعی وارده بر فرد می‌داند. فشارهایی که به‌طور عمده ناشی از فقر ایجاد می‌شود. جامعه‌شناسان، ساختارهای اجتماعی نامناسب را عامل ایجاد و تشدید چنین فقر تحمیلی بر فرد می‌دانند. این فشار اجتماعی موجب عدم موفقیت فرد در دستیابی به اهدافش در زندگی می‌گردد، و همین امر می‌تواند

زمینه را برای گرایش به آسیب‌های اجتماعی مختلف فراهم سازد. به‌طور کلی نظریه‌پردازان فشار، وجود هر گونه مانع و سختی در مسیر زندگی افراد را، عامل بروز انحراف می‌دانند. در زمینه‌ی قتل و خشونت نیز آنها معتقدند که بروز فشار بر افراد باعث بروز پرخاشگری و نزاع بین افراد می‌شود که در نهایت این پرخاشگری به قتل افراد منجر می‌شود ( Shirzad & et al, 2012).

در این نظریه تأکید بر استفاده از وسایل و ابزارهای مورد قبول جامعه، به منظور تحقق اهداف اجتماعی است و هر گونه انحراف در استفاده از ابزار و یا تعیین اهداف را انحراف می‌داند و لذا کسب موقعیت و منزلت در قبیله و طایفه می‌تواند یک هدف باشد و قتل ناموسی، می‌تواند یک وسیله برای تحقق هدف مورد نظر باشند، بنابراین در تعیین متغیرهای کسب موقعیت، حمایت بزرگان و همچنین حفظ ارزش‌های قبیله از آن استفاده شده است.

نظریه‌ی تضاد، رقابت و ستیز و ناسازگاری افراد با یکدیگر برای دستیابی به منابع کمیاب و محدود (در اینجا منزلت اجتماعی مردان قبیله بویژه جوانان که از طرف بزرگان قبیله به قاتلین داده می‌شود یا حتی پاداش‌های مادی زیادی که به آنها داده می‌شود را عامل اصلی وقوع قتل می‌داند. بر اساس نظریه‌ی تضاد، خشونت ماهیت طبیعی جامعه‌ی بشری است و به علت وجود رقابت و بهره‌کشی در جامعه‌ی بشری، قتل به‌عنوان نوعی خشونت، امری مورد انتظار و اجتناب‌ناپذیر است. صاحب‌نظران نظریه‌ی تضاد با استفاده از پیش‌فرض‌های اساسی مارکس، قتل را از نوع جرایم همسازی و مقاومت می‌دانند که عمدتاً طبقات پایین جامعه برای زندگی و بقاء بعضاً در درون اعضای خودشان، به‌عنوان واکنشی در برابر رویه‌های استثمارگرانه و ظالمانه طبقه‌ی سرمایه‌دار انجام می‌دهند.

ولفگانگ (۱۳۸۵)، با طرح نظریه‌ی خرده‌فرهنگ خشونت بر این باور است که فرد به علت تعلق به گروه‌های خشونت، هنجارها و ارزش‌ها و عقاید و رفتارهای خشونت‌آمیز را یاد می‌گیرد (Hajizadeh Meymandi, 2012).

خشونت جنایی رابطه‌ی مثبت با فرصت سیاهان در حوزه‌های کلان‌شهر دارد که تفسیری از پاره‌فرهنگ خشونت در محلات حاشیه‌نشینی است. خشونت جنایی رابطه‌ی مثبت با فقر داشته که تفسیری از فرهنگ فقر می‌باشد ( Ebrahimi and Chakerzehi, 2015).



*Lensov and Westley* از مهم‌ترین نظریه‌پردازان نظریه‌ی حمایت گروهی می‌باشند، تلاش چنین نظریه‌هایی بر آن است تا ضمن طرح انواع وابستگی‌های انسان به دیگران این وابستگی‌ها را از عوامل عمده‌ی بروز رفتار آدمی اعم از راست‌رفتاری یا کژرفتاری قلمداد کنند. از نظر آنان مسأله‌ی اساسی در کژروی افراد این است که روابط افراد کجرو این امکان را به آنان می‌دهد که گروهی را برای خود پدید آورده و در طریقی که دلخواه اعضا گروه است زندگی کنند (Maroufi and Rasoulpour, 2016).

اما نظریه‌ی انتخاب عقلانی برخلاف سایر دیدگاه‌های مطرح شده در مورد انحراف بر این فرض مبتنی است که افراد، صرفاً به سوی فعالیت‌های تبهکارانه رانده نمی‌شوند، بلکه فعالانه و آگاهانه، دست زدن به این اعمال را انتخاب می‌کنند. آنها صرفاً فکر می‌کنند که این کار ارزش خطر کردن دارد. افرادی که فعالیت تبهکارانه دارند کسانی هستند که با آگاهی از خطر گرفتار شدن تصور می‌کنند از موقعیتی که قانون را نقض می‌کنند می‌توانند مزایایی کسب کنند (Aliverdina and Ghahraminian, 2016).

هر گونه تلاش برای تمیز رفتار مجرمانه از رفتار غیرمجرمانه را *Clark and Meiwi* بی‌معنی و واهی دانسته و معتقدند که «جرم شکل بهنجاری از رفتار مخاطره‌آمیز است که افراد ممکن است در هر زمان در پیش گیرند. هر قدر پاداش‌های مفروض زیادت‌تر باشد، افراد بیشتر آمادگی تن در دادن به خطر را دارند و بالعکس هر قدر احتمال خطر زیادت‌تر باشد، ارتکاب جرم از سوی افراد کمتر می‌شود. هر کسی پتانسیل ارتکاب جرم را دارد مگر اینکه عوامل دیگری مداخله کنند» (Hataminejad & et al, 2012).

فقر یکی دیگر از عوامل اقتصادی مهم در تبیین جرم است. *Beker (1968)* در نظریه‌ی اقتصادی جرم فرض می‌کند که افراد زمانی وارد فعالیت‌های مجرمانه می‌شوند که هزینه‌ی ورود نسبت به منافع به‌دست آمده کمتر باشد. بر اساس مقاله‌ی بکر ارتباط مستقیمی بین فقر و جرم و جنایت وجود دارد. با افزایش فقر شانس ورود به جرایم علیه اموال افزایش می‌یابد (Kelly, 2000).

پژوهش *Land* و همکاران و مطالعه‌ی *Titterington & et. al.* دو مورد از مطالعاتی است که رابطه‌ی مثبتی بین قتل و سنجه‌های فقر نشان داده‌اند. تحلیل همبسته‌های ساختاری قتل توسط لاند، نشان می‌دهد که سنجه‌های فقر در واحدهای تحلیل (مثل مناطق آماری متروپلیتین، شهرها و ایالت‌ها) و در دوره‌های مختلف زمانی،

بطور پیوسته با نرخ قتل رابطه‌ی مثبتی نشان می‌دهد. تیتیرینگتون نیز اثبات کرد که نرخ قتل در مناطق محروم و فقیر بیشتر است (Diem & et al. 2010).

از نظر *Albert Cohen* "گسترش خرده‌فرهنگ بزهکاری نتیجه‌ی اعمال اجتماعی شدنی است که در محیط‌های فقیرنشین یا مخروب یافت می‌شود (Sigel, 1997). از نظر *Albert Bandura* محیط خانواده، خرده فرهنگ و الگوهای نمادین (سه گونه موقعیت اجتماعی)، بیشترین تأثیر را در پرخاشگری و در نتیجه بر وقوع قتل‌های ناموسی دارند. باندورا بخش عمده‌ای از تأثیر الگوهای نمادین بر پرخاشگری را هم به رسانه‌های جمعی به‌ویژه تلویزیون نسبت داده است. افزون بر این، نظریه‌ی یادگیری اجتماعی از جوانب متفاوت به گونه‌های متعددی از تحریک‌های محیطی اشاره دارد، و مدعی است که این مشوق‌ها می‌توانند در افزایش رفتارهای ضد اجتماعی مؤثر باشند. در این نظریه، تأثیر این مشوق‌ها هنگامی معنادار خواهد بود که محیط، نوعی زمینه‌ی تقویت را برای ارتکاب رفتارهای ضد اجتماعی فراهم ساخته است (Salimi and Davari, 2015).

در فقه اسلامی نیز هیچکدام از مراجع، قتل و بویژه قتل زنان را مگر در شرایط بسیار ویژه به هیچ وجه جایز نمی‌دانند و حتی در صورت ارتکاب فحشا، نیز قرآن کریم مراحل تنبیهی را در نظر گرفته که در آن قتل وجود ندارد. ولی با این وجود، در جامعه‌ی مورد مطالعه یکی از عوامل ارتکاب قتل‌های ناموسی را اجرای دستور الهی ذکر می‌کنند، بدون آنکه شرایط و مراحل آن را رعایت کرده باشند.

### پیشینه پژوهش

#### الف) تحقیقات داخلی

کاظمی سرکانه (۱۳۸۹)، در مقاله‌ای تحلیلی - انتقادی با عنوان «قتل‌های ناموسی و چالش‌های فراروی آن» در بررسی قتل‌های ناموسی از زاویه‌ی فقهی - حقوقی آورده است: از دیدگاه پژوهشگر، قتل‌های ناموسی پدیده‌ای است که مختص به یک یا چند کشور یا چند آیین و مذهب خاص نمی‌باشد ولی قتل‌های ناموسی اغلب در کشورهای مسلمان اتفاق می‌افتد. در کنار سایر عوامل مؤثر بر وقوع قتل‌های ناموسی، قوانین کیفری یک جامعه می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر میزان آنها در جامعه داشته باشند. نوع و میزان مجازات تعیینی برای مرتکبان قتل‌های ناموسی، استفاده از معاذیر مخففه در صورت ارتکاب این نوع قتل‌ها، میزان اطلاع افراد جامعه از این تخفیفات قانونی و عفو قاتل از سوی

اولیاء دم مقتول که در قتل‌های ناموسی رواج زیادی دارد، از مهم‌ترین تأثیرات قوانین کیفری در افزایش میزان وقوع قتل‌های ناموسی در جامعه‌ی ایرانی است که توجه جدی به این مسائل، تأثیر چشمگیری در کاهش وقوع قتل‌های ناموسی را به همراه خواهد داشت. باید در این مواد قانونی (از جمله مواد قانونی ۲۲۰، ۲۲۶، ۲۹۵، ۶۳۰ و غیره) یک بازنگری دقیق صورت بگیرد ولی با توجه به سبقه‌ی شرعی و دینی این مواد قانونی، باید این بازنگری مبتنی بر مبانی فقهی و شرعی باشد.

نواح و همکاران (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای با عنوان «تحلیلی جامعه‌شناختی و قانونی بر قتل‌های ناموسی با ارائه‌ی راهکارهای عملی» که توسط نواح و همکاران انجام گرفته، به دو عامل کلی قتل‌های ناموسی اشاره شده است:

اول: علل فردی رفتارهای مجرمانه است که به نقش عوامل جسمی و موقعیت‌های شخصیتی و حالت‌های روانی انسان‌ها تأکید دارد.

دوم: علل اجتماعی است که بیشتر انحرافات و رفتارهای مجرمانه‌ی انسان‌ها را ناشی از ارتباطات اجتماعی یا سازمانی و موقعیت فرد در جامعه می‌داند و نتیجه‌گیری نموده‌اند که اگر بخواهیم به ریشه‌های فاجعه‌ی قتل‌های ناموسی بپردازیم می‌توانیم به دو دسته عوامل اشاره کنیم:

#### ۱- ضعف‌ها و خلاءهای قانونی

#### ۲- هنجارها و ارزش‌های زن ستیز موجود در جامعه

عشایری و عجمی (۱۳۹۴)، در پژوهش خود با عنوان «ریشه‌یابی جامعه‌شناختی باورهای اجتماعی- فرهنگی مؤثر بر قتل‌های ناموسی»، اظهار داشتند، متغیرهای مربوط به باورهای طایفه‌ای، وجدان جمعی و داغ ننگ، با گرایش به قتل ناموسی رابطه‌ی مستقیم و متغیرهای اعتماد اجتماعی، محلی‌گرایی و فردگرایی، با گرایش به قتل‌های ناموسی رابطه‌ی معکوسی داشته است.

#### ب) تحقیقات خارجی

مروگاننزان (۲۰۱۴)، پژوهشی با عنوان «خطر قتل‌های ناموسی در هند» انجام داده است، یافته‌ها نشان می‌دهد که بسته بودن نظام کاستی، درون‌گروهی بودن ازدواج، ممنوع بودن ازدواج با برون‌گروه، فقر اقتصادی، فقر فرهنگی، فقدان تحرک اجتماعی،

محصور بودن در عقاید سنتی علل اصلی قتل‌های ناموسی در نظام کاستی هند است و به این خاطر به قتل رساندن زنان را دلیلی بر حیثیت و افتخار خود می‌دانند. سینگال (۲۰۱۴)، در پژوهشی تحت عنوان «قتل ناموسی در هند» به این نتیجه رسیده است که قتل‌های ناموسی مسأله‌ی فرهنگی و اجتماعی بوده و عواملی نظیر جنسیت، فقدان آگاهی اجتماعی، سنت‌گرایی، عدم استفاده از رسانه و عصبیت در وقوع آن دخیل هستند.

کنراد فیلیپ (۱۳۹۱)، در کتاب «انسان‌شناسی و کشف تفاوت‌های انسانی» خود به شایع بودن قتل‌های ناموسی اشاره می‌کند. به نظر وی، بسته بودن محیط عشایر، ساختار مردانه، سنتی بودن روابط، حاکمیت پدرسالاری، خونخواهی، انتقام و عصبیت از مواردی هستند که باعث قتل‌های ناموسی می‌شود.

### جمع‌بندی

با توجه به نظریات و دیدگاه‌های مطرح شده و تحقیقات صورت گرفته در ارتباط با موضوع تحقیق، برای تعیین مدل تحلیلی و تعریف متغیرهای تأثیرگذار بر نگرش افراد در مورد قتل‌های ناموسی می‌توان این‌گونه جمع‌بندی نمود که:

- براساس نظریات مارکس، محسنی تبریزی، حسینی، کوهن، سیسمون و لاند متغیر پایگاه اجتماعی و اقتصادی افراد.
- بر اساس نظریات کارکردگرایان، سیسمون و تحقیقات قبلی انجام شده متغیر شغل افراد.
- با توجه به نظریات ساترلند، ردفیلد، باندورا، کولی، سیگل و جفرسون متغیر دخالت و تحریک دیگران.
- براساس نظریه‌های مبادله، کنترل از جمله هیرشی و فرایدی، دکترین بازدارندگی و قوانین مجازات اسلامی متغیر نظارت رسمی و غیر رسمی.
- بر اساس نظریات باندورا، شاو، مک‌کلی، سیگل و دارندورف متغیر ساختار قدرت در خانواده.
- با توجه به دیدگاه دورکیم، ردفیلد، حسین‌زاده، زارع و غانمی و تحقیق قبلی پژوهشگر متغیر قوم‌گرایی.

- بر اساس نظریات باندورا، حسین‌زاده و تحقیق قبلی پژوهشگر متغیر گرایش به خشونت.
- بر اساس نظریات دورکیم، ردفیلد، باندورا، کولی، سیگل، لنسوف و وستلی (نظریه‌ی حمایت گروهی) متغیر حمایت رؤسای قبائل.
- بر اساس دیدگاه‌های ساترلند، سیگل، انتخاب عقلانی، کلارک و مایه‌یو، فیش باین و آیزن و حسین‌زاده نگرش به قتل ناموسی.
- بر اساس نظریات دورکیم، برگر و لاکمن، کارکردگرایان متغیر میزان دینداری به عنوان عوامل اصلی و متغیرهای تأثیرگذار شناسایی و در قالب فرضیات تحقیق مورد بررسی و آزمون قرار گرفتند.

### سؤالات پژوهش

توضیح: با توجه به بیان مسأله و اینکه سه مسأله‌ی اساسی در این مقاله مد نظر می‌باشد، سؤالات نیز به سه بخش اصلی تقسیم شده و مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

#### ۱- سؤالات مرتبط با نگرش قاتلین و عوامل موثر بر آن

- ۱- قاتلین نسبت به زن چه نگرشی دارند؟
- ۲- قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی چه نگرشی دارند؟
- ۳- انگیزه‌ی قاتلین از ارتکاب قتل‌های ناموسی چه بوده است؟
- ۴- میزان وابستگی قاتلین به فامیل چقدر است؟
- ۵- میزان خشونت نهادینه شده در بین قاتلین چقدر است؟
- ۶- ساختار قدرت در بین قاتلین چه وضعی دارد؟
- ۷- اعتقاد قاتلین به هنجارهای دینی چقدر است؟

#### ۲- سؤالات مرتبط با ساختارهای اجتماعی قبایل و ارتباط آنان با وقوع قتل‌های ناموسی

- ۱- شیوخ نسبت به زن چه نگرشی دارند؟
- ۲- شیوخ نسبت به قتل‌های ناموسی چه نگرشی دارند؟
- ۳- میزان وابستگی شیوخ به فامیل چقدر است؟
- ۴- میزان خشونت نهادینه شده در بین شیوخ چقدر است؟

- ۵- ساختار قدرت در بین شیوخ چه وضعیتی دارد؟
- ۶- نظر شیوخ در مورد علل وقوع قتل‌های ناموسی چیست؟
- ۷- بزرگان و شیوخ چقدر از قاتلین حمایت می‌کنند؟
- ۸- علل حمایت بزرگان از قاتلین چیست؟

### ۳- سؤالات مرتبط با نقش قانون و نظارت رسمی و تاثیر آن بر وقوع قتل‌های ناموسی

- ۱- نوع آرا صادره توسط مراجع قضایی و چگونگی اجرای احکام صادره چگونه می‌باشد؟
- ۲- دیدگاه قاتلین در مورد نقش نظارت‌های رسمی در جامعه چیست؟
- ۳- دیدگاه شیوخ در مورد نقش نظارت‌های رسمی در جامعه چیست؟
- ۴- انتظار قاتلین از دادگاه چیست؟
- ۵- نقش نظارت رسمی در کنترل هنجارشکنی و جلوگیری از وقوع قتل‌های ناموسی چقدر است؟

### فرضیات پژوهش

توضیح: با توجه به بیان مسأله و اینکه سه مسأله‌ی اساسی در این مقاله مد نظر می‌باشند، فرضیات نیز به سه بخش اصلی تقسیم شده، مورد بررسی و آزمون قرار گرفته‌اند.

#### ۱- فرضیات مرتبط با نگرش قاتلین و عوامل مؤثر بر آن

- ۱- به نظر می‌رسد بین میزان تحصیلات قاتلین با نگرش آنان به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین شغل قاتلین با نگرش آنان به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین پایگاه اجتماعی قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین دیدگاه قاتلین در مورد جرم و گناه مقتولین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.

- ۵- به نظر می‌رسد بین دیدگاه قاتلین نسبت به زن با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین میزان پای‌بندی قاتلین به هنجاری‌های دینی با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۷- به نظر می‌رسد بین میزان وابستگی قاتلین به جامعه‌ی قبیله‌ای با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.

### ۲- فرضیات مرتبط با ساختارهای اجتماعی قبایل و ارتباط آنان با وقوع قتل‌های ناموسی

- ۱- به نظر می‌رسد بین میزان حمایت قبیله از قاتلین با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین نگرش شیوخ و بزرگان نسبت به زن با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین میزان خشونت (خرده‌فرهنگ خشونت) در جامعه‌ی هدف با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین نوع ساختار قدرت در خانواده و طایفه با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۵- به نظر می‌رسد بین نگرش شیوخ نسبت به زن با میزان حمایت آنان از قاتلین رابطه وجود دارد.

### ۳- فرضیات مرتبط با نقش قانون و نظارت رسمی و تأثیر آن بر وقوع قتل‌های ناموسی

- ۱- به نظر می‌رسد بین نوع آراء صادره توسط مراجع قضایی با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۲- به نظر می‌رسد بین دیدگاه قاتلین در مورد نقش نظارت رسمی در جامعه با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۳- به نظر می‌رسد بین دیدگاه قاتلین در مورد نقش نظارت رسمی در جامعه با شکل ارتکاب قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۴- به نظر می‌رسد بین دیدگاه شیوخ در مورد نقش نظارت رسمی در جامعه با دیدگاه قاتلین در مورد نقش نظارت رسمی رابطه وجود دارد.

- ۵- به نظر می‌رسد بین انتظار قاتلین از مراجع قضایی در مورد چگونگی احکام صادره عمل ارتكابی با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.
- ۶- به نظر می‌رسد بین چگونگی اجرای احکام صادره توسط مراجع قضایی با نگرش قاتلین نسبت به قتل‌های ناموسی رابطه وجود دارد.

### روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق مورد استفاده، توصیفی - پیمایشی می‌باشد. در این پژوهش نیز برای سنجش متغیرها و گردآوری داده‌ها و اطلاعات لازم از پرسشنامه‌ی کتبی محقق‌ساخته جهت دو گروه شیوخ و قاتلین استفاده شد که گویه‌های آن بر اساس مبانی نظری و تعاریف مفهومی، تدوین شده است. برای آزمون پایایی پرسشنامه شیوه‌های متفاوتی وجود دارد که در این تحقیق، جهت تعیین میزان پایایی پرسشنامه‌ها مرحله‌ی پیش‌آزمون به اجرا درآمد که ضریب آلفای کرونباخ<sup>۱</sup> برای پرسشنامه‌ی قاتلین ۰/۸۷ و پرسشنامه‌ی شیوخ ۰/۸۱ محاسبه گردید؛ و برای حصول روایی قابل قبول، طی جلسات متعدد با کمک اساتید محترم راهنما و مشاور و متخصصین امر به شناسایی و انتخاب شاخص‌های معتبر، اقدام شد.

روش‌های تجزیه و تحلیل داده‌ها در دو سطح توصیفی شامل (میانگین، میانه، مد، واریانس، انحراف معیار، درصد و جدول توزیع فراوانی) و استنباطی (رگرسیون چند متغیره) بود. کلیه‌ی تحلیل‌های آماری با کمک نرم‌افزار *SPSS 23* صورت گرفت.

جامعه‌ی آماری شامل «کلیه‌ی افرادی که در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ به جرم قتل ناموسی یا معاونت در آن در نیروی انتظامی یا دادگستری استان خوزستان دارای پرونده‌ی کیفری بودند که بر اساس آمارهای رسمی اعلام شده از طرف نیروی انتظامی استان حدود ۱۴۰ نفر و شیوخ قبائل و طوائفی که قاتلین از اعضای آن طوائف بوده یا اینکه این پدیده در آنجا اتفاق افتاده است نیز ۱۴۰ نفر انتخاب شدند. در این تحقیق با توجه به حجم جامعه‌ی آماری، تمامی اعضای جامعه به‌عنوان نمونه انتخاب شده (تمام‌شماری) و اطلاعات مورد نیاز جمع‌آوری گردید و هر چند کار بسیار مشکل و طاقت‌فرسایی بود ولی با

<sup>۱</sup> Cronbach Alpha



هماهنگی که با دستگاه‌های قضایی و اجرایی ذیربط در استان خوزستان بعمل آمد این کار با دقت کامل صورت گرفت. لذا نیازی بر تعیین حجم نمونه و روش نمونه‌گیری نمی‌باشد.

### یافته‌های پژوهش الف) یافته‌های توصیفی

جدول ۲: توزیع فراوانی متغیر سن

Table 2: Distribution of the Variable of Age

۸۹-۷۹		۷۸-۶۹		۶۸-۵۹		۵۸-۴۹		۴۸-۳۹		۳۸-۲۹		۲۸-۱۸		مقدار توزیع	
79-89		69-78		59-68		49-58		39-48		29-38		18-26			
شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	Am./ Dis.	
Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer		
25	-	24	-	40	2	41	6	23	39	7	47	-	46	فراوانی	
3/6	-	17/1	-	28/6	1/4	29/3	4/2	16/4	27/9	5	33/6	-	32/9	درصد	
شیوخ (Sheikhs): 70/1														قاتلین (Killers): 34/1	میانگین

جدول ۳: توزیع فراوانی متغیر تحصیلات

Table 3: Frequency Distribution of Variable Education

بالتر		لیسانس		فوق دیپلم		دیپلم		سوم راهنمایی		ابتدایی		بیسواد		مقدار توزیع	
Higher than bachelor's degree		Bachelor		Associate Degree		Diploma		Middle School		Elementary		Illiterate			
شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	Am./ Dis.	
Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer		
2	-	5	14	21	22	34	36	24	27	44	28	9	13	فراوانی	
1/4	-	3.6	10	15	15/7	24/3	25/7	17/1	19/3	31/4	20	6/4	9/3	درصد	
شیوخ (Sheikhs): ابتدایی (Illiterate)														قاتلین (Killers): دیپلم (Diploma)	مد

## جدول ۴: توزیع فراوانی متغیر شغل

Table 4: Frequency Distribution of Job Variables

مقدار توزیع		سرباز - بیکار		کارگر		کشاورز - دامدار		کاسب		کارمند - بازنشسته		مهندس - دبیر		سایر	
Am.		Soldier- Unemployed		Labor		Farmer		Tradesman		Retired- Employee		Engineer - High School Lecturer		Others	
Dis.		قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	قاتل	شیوخ	شیوخ
		Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer
فراوانی		21	1	28	1	13	32	16	11	20	93	1	38	-	-
درصد		15	0/7	20	0/7	9/3	22/9	11/4	7/9	14/3	66/4	0/7	27/2	-	-
مد		قاتلین (Killers) سایر (Others)										شیوخ (Sheikhs) Retired- Employee			

## جدول ۵: توزیع فراوانی بر حسب متغیر درآمد

Table 5: Frequency Distribution of Income Variables

مقدار توزیع		۲۸۰۰۰۰۰ -		۴۶۰۰۰۰۰ -		۶۴۰۰۰۰۰ -		۸۲۰۰۰۰۰ -		۱۰۰۰۰۰۰۰ -		بدون جواب	
Am.		1000000- 2800000		2801000- 4600000		4601000- 6400000		6401000- 8200000		8201000- 10000000		Above 10000000	
Dis.		قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ
		Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer
فراوانی		59	8	54	58	4	25	1	17	1	6	3	21
درصد		42/1	5/7	38/5	41/4	2/8	17/8	0/7	12/1	0/7	4/2	2/1	15
میانگین		قاتلین (Killers) 2900000										شیوخ (Sheikhs) 3900000	

## جدول ۶: توزیع فراوانی متغیر محل سکونت

Table 6: Frequency Distribution of Lodging Variables

مقدار توزیع		شهر		روستا	
Am.		City		Village	
Dis.		قاتل	شیوخ	قاتل	شیوخ
		Sheikhs	Killer	Sheikhs	Killer
فراوانی		89	76	51	64
درصد		63/6	54/3	36/4	45/7
مد		قاتلین (Killers) و شیوخ (Sheikhs) City			

آمار مندرج در جدول‌های توصیفی نشان می‌دهد بیشتر قاتلین در سن ۲۹-۳۸ و کمترین تعدادشان در سن ۵۹-۶۸ با میانگین ۳۴/۱ سال قرار دارند. در حالی که بیشتر شیوخ در سن ۴۹-۵۸ و کمترین تعدادشان در سن ۲۹-۳۸ با میانگین ۷۰/۱ سال قرار دارند. مدرک تحصیلی دیپلم کمترین و بیسواد بیشترین تعداد بین قاتلین را دارد؛ در همین حال در شیوخ مدرک تحصیلی ابتدایی بیشترین و بالاتر از لیسانس کمترین تعداد را دارا می‌باشد. از لحاظ شغل، شغل‌های آزاد، راننده و فنی دارای بیشترین تعداد و مهندس و دبیر دارای کمترین تعداد در میان قاتلین می‌باشد و این آمار برای شیوخ به ترتیب کارمند - بازنشسته و سرباز - بیکار - کارگر می‌باشد. بیشتر قاتلین درآمدی بین ۱-۲/۸ میلیون تومان و کمترین درآمد مربوط به ۶/۴ میلیون تومان است. این میزان در شیوخ به ترتیب ۳/۹ و بالاتر از ۶/۴ میلیون تومان است و بالاخره محل سکونت بیشتر قاتلین و شیوخ شهر می‌باشد.

### (ب) یافته‌های استنباطی

نتایج رگرسیون چند متغیره در دو گروه قاتلین و شیوخ در جدول‌های زیر آمده است:

#### قاتلین:

نتایج جدول ۷ حاکی از آن است که مدل رگرسیون می‌تواند بطور معناداری تغییرات متغیر وابسته (نگرش به قتل‌های ناموسی) را در قاتلین پیش‌بینی کند.

#### جدول ۷: نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه

**Table 7: One-Way Analysis of Variance Analysis**

	مجموع مربعات	درجه آزادی	واریانس	F	Sig
	SS	DF	MS	F	Sig
رگرسیون	1607/520	8	200/94	11/258	0/000
باقیمانده	2338/166	131			
جمع	3945/686	139	17/849		

نتایج جدول ۸ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون ۴۰ درصد از واریانس نگرش به قتل‌های ناموسی را پیش‌بینی می‌کند. به این معنی که ۹ متغیر مستقل، ۴۰ درصد از واریانس نگرش به قتل‌های ناموسی را پیش‌بینی می‌کند. زیرا میزان  $R^2$  برابر با ۰/۴۰۷

می‌باشد. همان‌گونه که از مقادیر *P-Value* هر یک از متغیرها دیده می‌شود پنج متغیر میزان وابستگی به فامیل، پایگاه اجتماعی، میزان خرده فرهنگ خشونت، نگرش نسبت به زن و میزان حمایت شیوخ از قتل به صورت معناداری نگرش به قتل ناموسی در میان قاتلین را پیش‌بینی می‌کنند و با آن ارتباط معنادار دارند. بطوریکه با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره‌ی میزان وابستگی به فامیل، پایگاه اجتماعی، میزان خرده فرهنگ خشونت، نگرش نسبت به زن و میزان حمایت شیوخ از قتل، نمره‌ی نگرش به قتل ناموسی در قاتلین به ترتیب ۰/۲۱، -۰/۳۲، -۰/۴۲، -۰/۴۱ و -۰/۱۶ انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت.

به عبارت دیگر میزان تأثیر پنج متغیر مستقل بر متغیر وابسته (نگرش به قتل‌های ناموسی) کمتر از نصف و در چهار مورد منفی است. اما متغیر نگرش به زن بیشتر، ولی به صورت منفی، از سه متغیر دیگر بر نگرش نسبت به قتل‌های ناموسی تأثیر دارد.

**جدول ۸:** نتایج رگرسیون چند متغیری برای پیش‌بینی نگرش به قتل‌های ناموسی از طریق متغیرهای مؤثر

**Table 8: Multivariate Regression Results to Predict Attitude Toward Honor Killings Through Effective Variables**

متغیرهای مستقل (پیش‌بین)	B	SE	Beta	t	Sig
Independent Variables	B	SE	Beta	t	Sig
مقدار ثابت	27/762	5/095		5/448	0/000
وابستگی به فامیل	0/110	0/042	0/216	2/639	0/009
ساختار قدرت	-0/005	0/145	-0/003	-0/035	0/972
پایگاه اجتماعی	-0/501	0/560	-0/321	-2/673	0/049
پایبندی به هنجارهای دینی	-0/008	0/050	-0/011	-0/158	0/874
میزان خشونت	-0/652	0/280	-0/164	-2/331	0/021
نگرش به زن	-0/376	0/079	-0/411	-4/742	0/000
حمایت فامیل	0/008	0/393	0/001	0/020	0/984
حمایت شیوخ از قتل	-0/385	0/081	-0/42	-4/765	0/000
	$R^2=0/407$		و $R=0/638$		

که معادله و مدل خطی رگرسیون به صورت زیر است:

$$Y = (0/110)x_1 + (-0/501)x_2 + (-0/652)x_3 + (-0/376)x_4 + (-0/385)x_5 + 27/762$$

که در این معادله؛ میزان وابستگی به فامیل:  $x_1$ ، پایگاه اجتماعی:  $x_2$ ، میزان خشونت:  $x_3$ ، میزان نگرش به زن:  $x_4$  و حمایت شیوخ از قتل:  $x_5$  می‌باشد.

شیوخ:

جدول ۹: نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه

Table 9: One-Way Analysis of Variance Analysis

	مجموع مربعات	درجه‌ی آزادی	واریانس	F	Sig
	SS	DF	MS	F	Sig
رگرسیون	1473/431	5	294/686	24/206	0/000
باقیمانده	1631/312	134	12/174		
جمع	7433104	139			

نتایج جدول ۱۰ نشان می‌دهد که مدل رگرسیون حدود ۴۷ درصد از واریانس نگرش به قتل‌های ناموسی را پیش‌بینی می‌کند. به این معنی که ۵ متغیر مستقل، تنها ۴۷ درصد از واریانس نگرش به قتل‌های ناموسی را پیش‌بینی می‌کند. زیرا میزان  $R^2$  برابر با ۰/۴۷۵ می‌باشد. همان‌گونه که از مقادیر *P-Value* هر یک از متغیرها دیده می‌شود. پنج متغیر تحصیلات، پایگاه اجتماعی، نگرش به زن و حمایت از قاتلین به صورت معناداری نگرش به قتل ناموسی در میان شیوخ را پیش‌بینی می‌کنند و با آن ارتباط معنادار دارند. بطوریکه با افزایش یک انحراف استاندارد در نمره‌ی میزان تحصیلات، پایگاه اجتماعی، نگرش به زن و حمایت از قاتلین، نمره‌ی نگرش به قتل ناموسی در قاتلین به ترتیب ۰/۱۶-، ۰/۱۳، ۰/۵۳- و ۰/۱۹- انحراف استاندارد افزایش خواهد یافت. به عبارت دیگر میزان تأثیر سه متغیر مستقل بر متغیر وابسته (نگرش به قتل‌های ناموسی) کمتر از نصف و در دو مورد منفی است. اما متغیر نگرش به زن بیشتر، ولی به صورت منفی، از سه متغیر دیگر بر نگرش نسبت به قتل‌های ناموسی تأثیر دارد.

جدول ۱۰: نتایج رگرسیون چند متغیری برای پیش‌بینی شکل ارتکاب قتل از طریق متغیرهای مؤثر

**Table 10: Multivariate Regression Results to Predict Attitude Toward Honor Killings Through Effective Variables**

متغیرهای مستقل (پیش‌بین)	B	SE	Beta	t	Sig
Independent Variables	B	SE	Beta	t	Sig
مقدار ثابت	25/144	3/875		6/489	0/000
وابستگی به فامیل	0/095	0/058	0/134	1/650	0/101
تحصیلات	-/655	-0/282	-0/165	-2/325	0/022
پایگاه اجتماعی	0/681	0/329	0/139	2/073	0/040
نگرش به زن	-0/458	0/063	-0/533	-7/247	0/000
حمایت از قاتلین	0/101	0/044	0/198	2/288	0/024
$R^2=0/407$		و	$R= 0/638$		

در میان قاتلین؛ متغیرهای وابستگی به قبیله، پایگاه اجتماعی، خرده فرهنگ خشونت، نگرش به زن، و حمایت شیوخ از قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی در استان خوزستان، در سطح  $p = 0/05$  ارتباط دارد. همچنین در میان شیوخ؛ متغیرهای تحصیلات، پایگاه اجتماعی، نگرش به زن، و حمایت از قاتلین با نگرش آنان نسبت به قتل‌های ناموسی در استان خوزستان، در سطح  $p = 0/05$  ارتباط دارد.

### نتیجه‌گیری

همان‌طور که در توصیف داده‌ها و تحلیل فرضیات مشخص گردید، ضمن آنکه اکثر قاتلین و حتی بزرگان قبائل از سطح سواد پایینی برخوردار بودند، ولی تا حدودی از چگونگی برخورد قانون با خود و تخفیفات قانونی آشنایی کافی داشتند و انتظار داشتند که مراجع قضایی آنها را مورد عفو و بخشش قرار داده و یا اینکه کمترین مجازات شامل آنها گردد.

بطور کلی، دو دسته عامل ضعف‌ها و خلاءهای قانونی و همچنین هنجارها و ارزش‌های زن‌ستیز در جامعه، در قتل‌های ناموسی، بیشترین تأثیر را دارند. به همین منظور، در ارتباط با عامل اول، می‌توان به قوانین مرتبط به ولایت پدر بر فرزند و یا ریاست شوهر بر خانواده، اشاره نمود.

در ارتباط با عامل دوم، می‌توان به آداب و رسوم و سنت‌های قومی، قبیله‌ای و عشایری است، که همیشه مؤید ارزش‌ها و هنجارهای مردانه و زن‌ستیز بوده و همیشه گناه را بر گردن زنان می‌اندازد. در این آداب رسوم و فرهنگ، مردان هر کاری که را بخواهند مرتکب می‌شوند و هیچ‌کس حق تعرض به آنها را ندارد و زن، لازم نیست کاری که موجب آبروریزی مردان شود، مرتکب گردد. فقط همین که مورد ظن و گمان واقع می‌شود، مستحق اشد مجازات و مرگ قرار می‌گیرد، به همین دلیل تعدادی از قاتلین ناموسی به دلیل فشارهای وارده توسط افراد قبیله و نکوهش‌های آنان مرتکب قتل شده‌اند که ممکن است خود این افراد هم قصد به قتل رساندن نوامیس خود را نداشته یا مقوله را مستحق مرگ نمی‌دانستند، ولی تحت فشار وارده جامعه‌ی سنتی و برای رهایی از برچسب بی‌غیرتی و نامردی و ... مجبور به ارتکاب قتل شده‌اند؛ و همین‌طور تعدادی از پاسخگویان اظهار داشتند که در راستای انجام تکلیف شرعی و دینی خود، دست به این کار زده‌اند و لذا معتقدند دین مبین اسلام عمل ارتكابی را تأیید می‌کند.

### پیشنهادات پژوهش

- ۱) با توجه به اینکه خرده فرهنگ خشونت بر نگرش نسبت به قتل‌های ناموسی اثر دارد باید ضمن فراهم نمودن تمهیدات قانونی لازم برای مبارزه با سلاح گرم، از تربیون‌ها و سایر رسانه‌ها و همچنین مکانیزم‌های مختلف جهت اصلاح خرده فرهنگ خشونت یا کاهش آن اقدام شده و تلاش در خور توجهی در راستای کاهش قبیله‌گرایی و همچنین تقویت نهادهای رسمی صورت گیرد.
- ۲) تقویت عملکرد موفق پلیس و اجرای صحیح قوانین که می‌تواند این اطمینان را ایجاد کند که قانون و مجریان آن کارایی لازم را دارند و نیازی به حل مسائل و مشکلات از راه‌های عرفی غیر قانونی نیست.
- ۳) با توجه ارتباط پایگاه اجتماعی قاتلین و نگرش آنان به قتل، مسئولین جامعه باید به وظایف خود در قبال افراد مستعد با عنایت به فرهنگ بومی منطقه عمل کرده و با رفع کمبودهای مادی و معنوی، زمینه‌ی ایجاد شغل، تحصیلات کافی و درآمد را در افراد بوجود آورند. این کار خود به وابستگی کمتر افراد به قوم، سنت‌ها و شیوخ منجر می‌گردد.
- ۴) نگرش قبیله به زن را با آموزش‌های رسمی و غیر رسمی به قبیله، بویژه شیوخ و بزرگان آن، می‌توان تا حدودی مثبت نمود. همچنین رشد علمی و حضور مؤثر زنان در صحنه‌های اجتماعی می‌تواند به نگاه مثبت‌تر افراد قوم به آنان کمک نماید.

۵) با جلسات متعدد و آموزش‌های حضوری قوانین، نظریات علمی و دیدگاه قرآن در مورد قتل زنان را برای افراد رده‌ی بالای قبیله تبیین نمود تا جایی که خود آنان به این نتیجه برسند که حمایت از اقدامات قاتل غیر منطقی و مغایر با اصول انسانی و اسلامی است.



**References:**

Agnew, R. (1998). *The Contribution of Social Psychological Strain Theory to the Explanation of Crime and Delinquency*, Routledge.

Ahmadi, H. (2017). *Sociology of Deviance*, Tehran, Samt, (Persian).

Aliverdina, A. Ghahraminian, D. (2016). "Sociological Study of Deviant Behaviors Among University Students: An Application of Rational Choice Theory", *Society Social Institutions*, 8(3). (Persian).

Asadollahi, A., Hosseinzadeh, A.H., Mohseni Tabrizi, A & Nabavi, A. (2013). "Urban Lifestyle and Social Participation of Ahwazi Elder Citizens; A Regional Scale", *Applied Sociology*, 24, 1. (Persian).

Ashayeri, T. & Aajami, M. (2015). "Sociological Rooting of Socio-Cultural Beliefs Effective on Honor killings", *Journal of Information and Criminal Investigation*, 10(1). (Persian).

Conrad, Ph. K. (2013). *Anthropology: Discovering Human Differences*, Translated Mohsen Sallati, Tehran: Scientific publication.

Diem, C. & Jesenia, M. P. (2010). "Social Structure and Family Homicides", *Journal of Family Violence*, 25.

Ebrahimi, M. & Chakarzahi A.W. (2015). "The Relationship Between Inflation, Unemployment and Crime Rates in Iran", *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 4(2). (Persian).

Hajizadeh Meymandi, M. (2012). "Statistical Analysis of Murder in Yazd Province with Emphasis on Yazd City in 2006-2009", *Female Police*, 6(16). (Persian).

Hataminejad, H. Hataminejad, H. Farabi Asl, N. Sabet Koushki Neyan, M. & Fouadi, F. (2012). "Geographic Analysis on the Effect of Body Mass on A Crime Case: Mashhad Informal Settlements", *Journal of Regional Planning*, 2(7). (Persian).

Hoseini, H. (2006). *The study of social, political and economic factors affecting the sense of social security*, MSc Tesis. Shahid Chamran University. (Persian).

Karami, Gh. (1996). Investigating the Factors Affecting the Socioeconomic Situation of Women in Tangestan, MSc Thesis of Ferdowsi University of Mashhad. (Persian).

Karimi, A. Arayesh, & H. Rahimiemad, S.R. (2014). Enemies, honor killings and social security, Ebtakar newspaper. (Persian).

Kazemi Sarkhaneh, S. S. (2010). Honor Killing and its Challenges, Jurisprudence Quarterly and Islamic Legal Basis, N. 21. (Persian).

Kelly, M. (2000). "Inequality and Crime", the Review of Economics and Statistics", 82(4).

Kozer, L. (2011). The Life and Thought of the Elders of Sociology, translated by Mohsen Sallati, Tehran: Scientific Publications.

Maroufi, M. & Rasoulpour, F. (2016). "Recurrence of Drug Use and its Related Factors in Zahedan City's Improved Addicts", Specialized Journal of Law Enforcement, Sistan and Baluchestan, 7(21). (Persian).

Mirnazadeh, M.H. KochakBeigi, A. & Safari, A. (2018). "Murder in the state of emotional state in jurisprudence and criminal law of Iran". Journal of Legal and Legal Sari, V (2), 7. 29-47. (Persian).

Muruganathan, S. (2014). "Honour Killing' the Menace - A case study in Tamil Nadu International". Journal of Management Research and Social Science (IJMRSS), 1(1).

Nabavi, S. A. (1994). "Comparison of Cohen and Miller's Theories on Juvenile Delinquency and its Application in Iranian Society", Human Development Quarterly, V (1)1. (Persian).

Najafi Abrandabadi, A. H & Badamchi, H. (2015). The History of Ancient Mesopotamian Criminal Law, Samt, Tehran. (Persian).

Navah, A. Moridi, V. Chebashes, F. (2013). Statistical Analysis of Murder in Khuzestan Province with Emphasis on Khuzestan Towns in 2011, First National Congress on Pathology of Murder, Order and Security, Iran, Khuzestan, Ahvaz. (Persian).

- Robbinton, E. & Weinberg, M. (2018). The study of social problems: seven perspectives, Translated by Siddiqorsarvastani, R. University of Tehran, Institute of Publications.
- Salimi, A. & Davari, M. (2015). Sociology of Deviance, Research Institute of "Hawzah va Daneshgag", Qom, Iran. (Persian).
- Saramad, M. H. Farzam, L. Moein, A. (2012). Rape and honor crimes in Afghanistan (National Research Report, Kabul: Afghanistan Independent Human Rights Commission). (Persian).
- Savari, M. (2017). "Explaining the Factors Affecting Shooting Tendency in Tribes and Tribes in Khuzestan Province", Quarterly Journal of Khuzestan Law Enforcement, 5(20).
- Sedighsarvestani, R. (2008). "Social Pathology (sociology of social deviance)", Tehran. SAMT. (Persian).
- Shirzad, J. Faqih Fard, P. & Dehnavi, M. (2012). "Factors Affecting the Intentional Murders in Sanandaj (2002 to 2007)", Law Enforcement Quarterly, 13(4). (Persian).
- Siegel, Ls. (1991). "Criminology", West Wadswrth Publishing Company.
- Singhal, V. K. (2014). Honour Killing in India, An Assessment, Indian Council for Social Science Research (ICSSR).
- Thio, AT. Calhoun, C. & Conyers, A. (2010). Readings in Deviant Behavior, 6th Edition. Boston, MA: Allyn & Bacon.
- Turner, J. (2013). Making a Sociological Theory, Translated by Abdolali Lahsayizadeh, Second Edition, Shiraz: Navid.
- Zare, B. & Ghanemi, M. (2006). "Investigating the Social Factors Affecting the "Deathly Hallowed" at Azadegan Plain", Journal of the Faculty of Literature and Human Sciences, Vol. 58-59. (Persian).

## Sociological Explanation of the Phenomenon of Honor Killings (for the Sake of Honor) in Khuzestan Province during 2011-2015

Gholam Hossein Karami<sup>1</sup>, Amir Maleki (Ph.D)<sup>2</sup>  
Mohammadjavad Zahedi Mazandarani (Ph.D)<sup>3</sup>

DOI: 10.22055/QJSD.2019.14563

### Abstract:

The aim of this study was to explain the sociological phenomenon of honor killings in Khuzestan province during the years 2011-2015. This research was conducted using descriptive-survey method. The statistical population consisted of all people who had a criminal case during the years 2011-2015 for the sake of honor killing or deputy in it, in Khuzestan province. According to official statistics, 140 killers and also 140 tribal sheikhs and tribes that the killers were member of them or this phenomenon has happened in their tribes, were chosen. The sampling method was using full scale method. Data collection tools consisted of two types of researcher-made questionnaires which the first questionnaire was used for killers and the second questionnaire was applied for sheikhs. The coefficient of reliability of their attitude, using Cronbach's alpha method, was 0.89 and 0.81 respectively. Data were analyzed using descriptive and inferential statistics. The findings of the study indicated that among the killers, the variables of tribal dependence, social base, and subculture of violence, attitude towards women and sheikhs support of killers are related with their attitude towards honor killings in Khuzestan province, at P 0.05. Also, among sheikhs, educational variables, social status, attitude toward women and support for killers are associated with their attitude towards honor killings in Khuzestan province, at P 0.05.

**Key Concepts:** Honor Killing, Khuzestan, Official Control, Power Structure, Social Base

<sup>1</sup> Ph.D. Student of Sociology (Social Issues of Iran) Payame Noor University of Tehran Center, Tehran, Iran (Corresponding Author), karami1391@gmail.com

<sup>2</sup> Associate Professor of Sociology, Payam Noor University, Tehran, Iran, a\_maleki@pnu.ac.ir

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Sociology, Payam Noor University, Tehran, Iran, m\_zahedi@pnu.ac.ir

